

## اخبار و گزارشات کارگری 14 شهریورماه 1399

- گزارش سی و پنجمین روز اعتراضات کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و نیروگاه های برق
- تجمع اعتراضی کارگران نیروگاه رامین اهواز نسبت به خصوصی سازی
- تجمع اعتراضی آموزشیاران نهضت سوادآموزی، معلمان حق التدریس و مربیان پیش دبستانی شهرستان های شوشتر و گتوند نسبت به عدم تبدیل وضعیت همزمان با سفر قالیباف
- فراخوان تجمع کارگران قرارداد موقت صنعت نفت برای دست یابی به مطالباتشان مقابل وزارت نفت
- بیانیه کانون صنفی معلمان تهران پیرامون شرایط بازگشایی زود هنگام و عجولانه مدارس
- بازگشائی مدارس و مسئولیت نهادهای در قدرت :
- "حفظ جان و سلامتی دانش آموزان و آموزش رایگان و با کیفیت دو خواسته مهم خانواده ها ست."
- کانون نویسندگان ایران: سه گام در سرکوب آزادی بیان معترضان
- بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تشدید شرایط بحرانی جعفر عظیم زاده
- جان باختن یک کارگر در پیشوا بر اثر برق گرفتگی
- مرگ و مصدومیت 3 کارگر ساختمانی حین کار در سسندج

### \*گزارش سی و پنجمین روز اعتراضات کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و نیروگاه های برق

- روز جمعه 14 شهریور، کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران طی گزارشی از ادامه اعتراض سراسری برای افزایش دستمزد برای سی و پنجمین روز متوالی خبر داد .
- بنابهمین گزارش، کارفرماها و پیمانکاران ضربه سختی از اعتصاب هماهنگ کارگران خوردند و به همین خاطر از گذاشتن آگهی کار در گروه های کارگری خودداری می کنند چون می دانند:
- 1- کارگران در این گروه ها با هم متحد شده و کمتر از قیمت مصوب کمپین کار خواهند کرد
  - 2- نمی خواهند این گروهها رشد و اعتبار بیشتری بیابند.

این منبع افزود، کارفرماها با تمام جان سختی که نشان دادند اما مجبور گشته اند حقوق ها را بالا ببرند. در پروژه هایی که برادران کارگرمان هم به ما نپیوستند هم افزایش حقوق انجام شد، تا این برادران به ما نپیوندند که این هم پیروزی ماست.

### \*تجمع اعتراضی کارگران نیروگاه رامین اهواز نسبت به خصوصی سازی

طهر روز جمعه 14 شهریور، جمعی از کارگران نیروگاه رامین اهواز واقع در کیلومتر 20 جاده مسجد سلیمان - شهر ویس برای بنمایش گذاشتن اعتراضان نسبت به واگذاری به بخش خصوصی دست به تجمع در مصلی نماز جمعه کلانشهر اهواز زدند.



\*تجمع اعتراضی آموزشیاران نهضت سوادآموزی، معلمان حق التدریس و مربیان پیش دبستانی شهرستان های شوشتر و گتوند نسبت به عدم تبدیل وضعیت همزمان با سفر قالیباف

روز پنج شنبه 13 شهریور همزمان با سفر قالیباف، جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی، معلمان حق التدریس و مربیان پیش دبستانی شهرستان های شوشتر و گتوند برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع زدند.



برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 14 شهریور، تجمع کنندگان که قالب آن ها را بانوان تشکیل می دادند که با در دست داشتن پلاکاردهایی استخدام مربیان پیش دبستانی، تبدیل وضعیت استخدامی، اجرای مصوبه مجلس مبنی بر حق التدریس شدن مربیان پیش دبستانی مشمول قانون، مهم ترین مطالبه آن ها بود.

یکی دیگر از دلایل تجمع اعتراضی تجمع کنندگان، به کارگیری و استخدام فرهنگیان بازنشسته بود و نسبت به جایگزین کردن نیروهای بازنشسته بجای خود معترض بودند.

**\*فراخوان تجمع کارگران قرارداد موقت صنعت نفت برای دست یابی به مطالباتشان مقابل وزارت نفت**

کارگران قرارداد موقت صنعت نفت در نظر دارند برای دست یابی به مطالباتشان و انعکاس صدای حق طلبیشان دست به تجمع مقابل درب اصلی وزارت نفت بزنند.

بنابه گزارش رسانه ای شده خواسته های کارگران قرارداد موقت صنعت نفت بقرار زیر است:

- ۱-تبدیل وضعیت به (قرارداد مدت معین) همانند سایر وزارت خانه ها
- ۲-همسان سازی حقوق در مشاغل مشابه مطابق بند ۶ سیاست های کلی نظام اداری و تبصره ۳ ماده ۲۹ برنامه ششم توسعه اقتصادی
- ۳-رهایی از برخورد دوگانه با موضوع کارمندی و اجرای کامل آیتم های کارمندان نفت
- ۴-ایجاد نظام ارتقاء جهت افزایش انگیزه کارکنان و میل آنها به کار و تغییر جایگاه سازمانی

## \*بیانیه کانون صنفی معلمان تهران پیرامون شرایط بازگشایی زودهنگام و عجولانه مدارس

روز جمعه 14 شهریور، بیانیه کانون صنفی معلمان تهران پیرامون شرایط بازگشایی زودهنگام و عجولانه مدارس بشرح زیر منتشر شد:

در حالی ۱۵ شهریور شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ اعلام شده که هنوز شرایط تثبیت شده‌ای برای این آغاز فراهم نشده است. روزانه اخبار مختلفی از سوی مسئولین آموزش و پرورش منتشر و سناریوهای مختلفی برای بازگشایی مدارس بیان می‌شود که خود حکایت از ساختار آشفته‌ی این وزارتخانه دارد.

آخرین سناریو این است که مدارس در ۱۵ شهریور باز شود و معلمان و دانش‌آموزان الزاما در مدرسه حضور خواهند داشت. شیوه نامه‌ای منتشر می‌شود که وضعیت آموزش را در شرایط سه گانه (سفید و زرد و قرمز) تشریح می‌کند، بدون آنکه بیان کنند شرایط و ضوابط اجرایی شیوه‌نامه چیست، در پیشبرد اهداف آن کدام بودجه یا امکانات برای ارتقای شرایط بهداشتی مدارس در نظر گرفته شده است، مدارس برای ایجاد فضایی ایمن و سالم به کدام امکانات تازه و مدرن مجهز شده‌اند و چه امکاناتی در اختیار دانش‌آموزان و معلمان و کادر مدارس قرار گرفته تا در پیشبرد اهداف آموزش این روزهای کشور موثر و کارآمدتر عمل کنند؟! همچنین صحبت از حضور دائمی دانش‌آموزان در مناطق سفید، حضور زوج و فرد و گروه‌بندی شده دانش‌آموزان در مناطق زرد و آموزش مجازی در مناطق قرمز است. این روش نشان از آن دارد که وزیر نه تنها به آمار روزانه وزارت بهداشت از وضعیت مناطق مختلف و پروتکل‌های بهداشتی توجهی نمی‌کند بلکه نمی‌داند که در وزارتخانه متبوع وی، به دلیل کمبود معلم و جبران پایین بودن حقوق، هر معلم در چند مدرسه تدریس می‌کند و امکانات مدارس را می‌توان با انگشتان دست شمرد! از تراکم بالای جمعیت در کلاسهای درس خبر ندارد و متوجه نیست اگر مدارس بخواهند فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند فضای مدارس که سهل است؛ خیابانهای اطراف هم جوابگو خواهد بود.

در شرایط زرد، گروه‌بندی اعلام شده از سوی وزارت گنگ و نامفهوم است و طبق معمول مسئولیت اجرای آن بر دوش معلم و کادر مدارس قرار گرفته تا همچنان نقش وزارتخانه در حد یک نهاد میرزابنویس حفظ شود. در این میان وضعیت امکانات بهداشتی مدارس خود حدیث دیگری است. نبود صابون مایع، نبود مواد شوینده بهداشتی برای ضدعفونی کردن سرویس‌های بهداشتی و کلاس‌ها، تهیه نامناسب کلاس‌ها و کارگاه‌ها و از همه مهمتر فقر مالی خانواده‌ها در تهیه لوازمی چون ماسک و دستکش و ژل ضدعفونی برای فرزندان، قصه‌ای علی‌حده است. کیست که نداند حضور دائمی معلمان در مدارس نه تنها جان معلمان و خانواده‌شان را به خطر می‌اندازد بلکه برای دانش‌آموزانی که به طور زوج و فرد به مدرسه مراجعه می‌کنند نیز خطرآفرین خواهد بود.

در وضعیت قرمز آموزش مجازی اعلام می‌شود اما توضیح نمی‌دهد معلمان با چه امکان مالی، از پس هزینه بسته‌های اینترنت که چندین برابر شده است، بریبایند؟ با کدام حمایت مالی وزارتخانه؛ هزینه تهیه گوشی یا تبلت یا لپتاپ را - که امکان ضبط ویدیوی آموزشی را داشته باشد- بپردازند؟

گفته شده است که معلمان از اینترنت و امکانات مدرسه استفاده کنند. ظاهرا منظور همان اینترنتی است که در مدارس هم سرعش کم است و هم در اغلب مواقع قطع. امکانات تهیه ویدیوی آموزشی نیز که محدود به همان گوشی معلم است که یک وسیله شخصی است و نباید برای کار استفاده شود. وزارت آموزش و پرورش موظف است برای آموزش مجازی علاوه بر اینترنت رایگان، امکانات الکترونیکی در اختیار معلمان قرار دهد و همچنین برای تهیه فیلم‌های آموزشی امکان تصویربرداری

توسط دوربین و استودیوهای کلاسی را برای معلمان فراهم کند. معلمان در هشت ماه گذشته به دلیل وضعیت ناگهانی از دل و جان و با امکانات محدود شخصی؛ ایثارگرایانه و مهربانانه، جان بیمار آموزش کشور را در مقابل ویروس کرونا نجات داده‌اند؛ اما فرادستان آموزشی، وزیر و دولت در هشت ماهی که فرصت داشته‌اند دست روی دست گذاشتند تا چون گذشته‌شان از زیر بار مسئولیت خالی کنند و در پس‌پشته‌ها و نامها فقط شیوه‌نامه‌هایی را منتشر کنند که خودشان به آن عمل نمی‌کنند.

در این میان اعلام شده است که کلاس‌های مدارس روستایی و عشایری حضوری خواهد بود. با توجه به اعلامیه‌های وزارت بهداشت، باید از وزیر محترم پرسید که آیا نقطه‌ای در ایران هست که کرونا به آنجا نرفته باشد؟ آیا اساساً سلامتی و جان معلمان و دانش‌آموزان مناطق روستایی و عشایری، برای این وزارتخانه اهمیتی دارد؟ به همه اینها بیفزایید این خبر تکان‌دهنده را که در سال تحصیلی گذشته بیش از ۳،۵ میلیون دانش‌آموز به دلیل عدم دسترسی به گوشی و تبلت هوشمند و اینترنت، از تحصیل بازمانده‌اند. وزارت آموزش و پرورش برای رفع این مشکل، طبق رویه‌ای ثابت که در سالیان گذشته هم داشته، به سراغ پویش‌های مردمی رفته است و باز هم قرار است کمبودهای این وزارتخانه را از طریق فعالیت‌های خیرمآبانه برطرف کند و نه از راه افزایش بودجه و حمایت و پشتیبانی دولت. البته این مسئله که بودجه آموزش و پرورش که نه خرج تهیه لوازم الکترونیک برای آموزش مجازی می‌شود و نه صرف تهیه امکانات بهداشتی برای کل مدارس کشور و نه خرج تهیه لوازم مورد نیاز دانش‌آموزان، دقیقاً در کجا و به چه صورتی خرج می‌شود؛ خود پرسشی است که مسئولان باید آن را پاسخ بدهند. همچنین دولت‌ها و مجلس‌های گذشته و حال، باید پاسخگوی سیاست‌های اشتباه و قصور خود در تامین بودجه‌ی مورد نیاز آموزش و پرورش باشند.

متأسفانه در این شرایط است که وزارت آموزش و پرورش تصمیم قطعی خود را برای بازگشایی مدارس اعلام کرده و گویی وزیر از اتاق پر از تجملات خود، آن‌سوتر را ندیده است و هنوز از وضعیت قرمز شهرهای خرد و کلان بی‌خبر مانده است.

کانون صنفی معلمان تهران ضمن ابراز نگرانی شدید خود از این شرایط بازگشایی مدارس و به خطر افتادن جان و سلامتی معلمان و دانش‌آموزان؛ هشدار می‌دهد که وزیر و وزارتخانه متبوعش نسبت به این قضیه و عواقب آن بار دیگر بیندیشند و به جای ایجاد فضای هیجانی کاذب در رقابت با عملکرد دیگر وزارتخانه‌ها، سلامتی بیش از ۱۵ میلیون دانش‌آموز و بیش از ۱،۵ میلیون معلم را در اولویت قرار دهد. کانون صنفی معلمان تهران اعلام می‌کند که مسئول هر گونه اتفاق ناگوار در این شرایط وزارت آموزش و پرورش است.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

۱۳۹۹/۶/۱۴

**\*بازگشایی مدارس و مسئولیت نهادهای در قدرت :**

**"حفظ جان و سلامتی دانش‌آموزان و آموزش رایگان و با کیفیت دو خواسته مهم خانواده‌ها ست."**

سال تحصیلی 1399--1400 در حالی آغاز می‌شود که وضعیت نابسامان مدارس، به لحاظ ایمنی ساختمان و استانداردهای آموزشی بسیار پایین است. مشکلات جمعیت دانش‌آموزی در حاشیه شهرها فجیع و غیرقابل توجیه است. در مناطقی از کشور که اصلاً کلاس و مدرسه‌ای وجود ندارد چه برسد به اینترنت!

آموزش رایگان و استاندارد از وعده های حکومت ، در طی این ۴۰ سال نه تنها اجرایی نشده بلکه با گسترش مدارس غیر انتفاعی و هیئت امنایی و نخبگان و فرزندگان ، عملاً زمینه غارت و تبعیض فضای آموزشی را نهادینه کرده است. بودجه سرانه مدارس دولتی کفاف خرید گچ مورد نیاز مدارس را هم نمیدهد . مردم شاهد " کاریکاتوری از آموزش رایگان " هستند .

جمعیتی در حدود ۳ و نیم میلیون دانش آموز، در نقشه اجتماعی ایران فاقد جایگاه معین و تعریف شده ای هستند .تحلیل شرایط قرنطینه به دلیل اپیدمیک کرونا، عملاً ارتباط این دانش آموزان را با سیستم نیم بند آموزشی هم قطع کرده است. طبق گفته مسئولان آموزشی: « هیچ تضمینی برای حفظ سلامتی بیش از 15 میلیون دانش وجود ندارد» تنها چاره را آموزش از راه دور و استفاده از "شبکه شاد" می بینند. وقتی آموزش مجازی و از راه دور مد نظر باشد، داشتن اینترنت و تبلت و کامپیوتر به عنوان ابزار آموزش، نیاز اولیه و پایه ای خواهد بود و در ذیل مقوله تحصیل رایگان قرار می گیرد. اما دولت روحانی و دیگر حکومتیان رایگان بودن اینترنت و ابزار دیگر را قبول ندارند و تامین این نیازها را به عهده خانواده هایی گذاشته اند که در تامین نان شبشان هم ناتوان هستند .

ما معلمان، بازنشستگان، کارمندان و کارگران به عنوان اولیای دانش آموزان در این شرایط بحرانی نگرانی خود را نسبت به سلامتی فرزندانمان و عدم تامین امکانات آموزشی مناسب ابراز نموده و همه نهادهای در قدرت را در یک کلیت مسئول عواقب آن می دانیم.

معلمان نباید مسئولیت تحصیل آنلاین دانش آموزان را با صرف وقت و هزینه طاقت فرسا متحمل شوند. تهیه برنامه آموزشی برای تدریس آنلاین زمان و مخارج زیادی را بر دوش معلمان می گذارد. تامین اینترنت رایگان و وسایل ارتباط جمعی ( گوشی و تبلت) باید به عهده آموزش و پرورش باشد.

ما با امضای این متن، به مسئولین هشدار میدهم که با زندگی و جان و سرنوشت فرزندانمان بیش از پیش بازی نکنید.

آموزش رایگان؛ استاندارد و فارغ از همه نوع تبعیض خواسته بر حق ماست.

امضا کنندگان :

- 1 - محبوبه فرح زادی 2- محسن نورایی 3- امید ناصحی 4-اعظم حسنی 5-مهناز لطفی 6-منیژه فروزنده 7-مینوخدیو 8-راضیه دزفولی 9-مریم فولادی 10-حسین شاهپری 11-نرگس باوی 12-فرهاد یثربی 13-کاظم مینائی 14-رحیم شجری 15-نصرت یزدانی 16-زهره خوشنویس 17-واله زمانی 18-پویان نورایی 19-رحیم امیری 20-سعید اصفهانی 21-ملیحه سلیمانی 22-هما عسگری 23-مهناز شوشتری 24-زهرا سلطانی 25-علی توانا 26-بیژن نجفی 27-خدیدجه موسوی 28-تهمینه خسروی 29-سارا پازتاریان 30-مهناز قربانی 31-شهبان طالبی 32-جمشید فرهی 33-امید تهرانی 34-ناصر خسروی 35-فرح زحمتکش 36-منصور مختاری 37-حسین بابازاده 38-شهلا بابایی 39-مینا کاظم زاده 40-فرزانه راجی 41-مریم طاهری 43-ژاله صفری 44-یعقوب صفری 45-مریم طالب زاده 46-سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران 47-ژاله روحزاد 48-پروین شایگان 49- فولاد محمدی 50-کبری فروزانفر 51-نسرین خدایاری 52-محمد رفیعی 53-نادر رفیعی 54-فهیمه باد کوبه 55-شکوفه سلیمان 56-باهره علمداری 57-لی لی ایلکایی 58-روح الله مهدی پور 59-جعفر ابراهیمی 60-باز

نشستگان بافنده سوزنی 61- باز نشستگان فلزکار مکانیک 62 - گروه اتحاد بازنشستگان 63- پروین آزاد 64- شهلا خباز راده 65- نرگس خرمی 66- وحید میر شکار 67- محدث 68- زهرا وفایی 69 - اتحاد بازنشستگان ایران 70- سندیکای نقاشان استان البرز 71 - شورای همبستگی کارگری 72- عالییه اقدام دوست 73- آتمه کبریایی 74- فریدون سرحدی 75- شیرین احمدی 76- جمیله روح زنده 77- محمد جواهری 78- یدالله ویژه 79- علیرضا گلی 80 - ابراهیم خدادادی 81 - عین الله رحیمی 81 - تعدادی از معلمان سواد آموز کودکان کار و خیابان 82- مهران محبوبی 83 - صدیق کریمی 84- رویا پرواز 85 - شهلا یوسفی 86 - عادلہ لامعی 87- امیر زارع 88- مهندس سعیدی 89- عباس محمدی 90- بانو ایرانی 91- توران شهروندی 92- جمشید صدقی 93- سیروس خلیل زاده 94- پروین نخستین 95- طاهره کبریایی 96- شهناز فروتن 97- معصومه قنبری 98 - رضا قنبری 99 - بهنام ابراهیم زاده 100- یاری روشنی 101 - رحمان بیگی 102 - انجمن برق و مکانیک کرمانشاه 103 - فعالین لغو کار کودک 104 - عزیز عزیزی 105 - منوچهر آقا بیگی 106- مهدی عزیزاده فخر آبادی 107- شیوا رشیدی 108- عیسی ابراهیم زاده 109-مرضیه خسرویان 110 - مریم دانشور 111 - مسلم کریمی 112- عبدالرضا پاک سرشت صوفی 113-رضا فلاح 114- منصوره فارسی جوکاری 115- حمید بارانی 116- نرگس محمدی 117 - مریم پور محمدی 118- رعنا شکوهی 119- یاسر سرمدی 120 محمد پور علی 121- مینو کیخسروی 122- الوز هاشمی 123-مهرنوش حیدرزاده 124 - پریچهر عزیزی 124- حسین رضایی 125- عبدالله رضایی 126- محمود بهشتی لنگرودی 127- عالییه امیری 128- مژگان خوش عاقبت 129- ملیحه کریم الدینی 130- مهرداد باغشنی 131- مسعود زارع از عندی 132 - محمد علی زحمتکش

### \*کانون نویسندگان ایران: سه گام در سرکوب آزادی بیان معترضان

نظر بر خبر

سه گام در سرکوب آزادی بیان معترضان

نوید، وحید و حبیب افکاری ، سه برادر، پس از اعتراضات مرداد ۹۷ بازداشت و بعد از گذراندن یک دوره بازجویی طولانی در دادگاه محاکمه شدند. نوید به دو بار اعدام و ۶ سال زندان و وحید و حبیب مجموعاً به ۸۱ سال زندان و تحمل ده‌ها ضربه شلاق محکوم شده‌اند. اخبار مربوط به آنها اخیراً در فضای مجازی منتشر شده است. برادران افکاری می‌گویند اعترافات آنها مبنی بر مشارکت در قتل یک مامور امنیتی زیر فشار شکنجه گرفته شده است. مادر این سه جوان نیز در ویدیویی از همه‌ی کسانی که صدایش را می‌شنوند خواسته است کمک کنند تا احکام پسرانش لغو شود.

سه برادر در اعتراض به وضع معیشتی اسفناکی که هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود، شرکت کرده و بازداشت شده‌اند. اعتراض بخشی از آزادی بیان و حق پایه‌ای انسان و هر شهروند است. بازداشت شهروند معترض گام نخست در سرکوب آزادی بیان اوست.

سه جوان متهم گفته‌اند که در جریان بازجویی‌ها و روند دادرسی‌ای که دو سال به درازا کشیده، مورد شکنجه‌های شدید قرار گرفته و ناچار به اعتراف علیه خویش و خویشان شده‌اند. این فقط ادعای آنها نیست. در چند دهه‌ی اخیر بازداشت‌شدگانی بسیار از "اعترافات اجباری"، از سخن گفتن زیر فشار علیه خویش اینجا و آنجا گفته و نوشته‌اند. در این نوع رفتار ستمگرانه گذشته از رنج شدید و هتک حرمت بازداشتی، حق آزادی بیان او وقتی وادارش می‌کنند حرفهایی بزنند که قبولشان ندارد،

زیرپا گذاشته می‌شود؛ این گام دوم در سرکوب آزادی بیان معترضان است. اصولاً سخنان کسی که از او سلب اختیار شده است اعتبار ندارد، حتی اگر علیه خودش باشد.

گام سوم در سرکوب آزادی بیان صدور حکم و خاصه حکم اعدام است. پیش‌تر نیز در نوشته‌هایی دیگر از این دست اشاره کرده‌ایم که اعدام در ایران اقدامی ضد آزادی بیان است؛ زیرا برای ایجاد رعب و وحشت در دل و ذهن مردم، برای زدن قفل خاموشی بر زبان‌ها و زبانه‌های اعتراض انجام می‌گیرد.

شرایط کنونی جامعه مانند دهه‌ی ۶۰ نیست که حکم اعدام فراوان، سریع و آسان صادر و اجرا می‌شد. سبب همین است که حاکمان برای موجه جلوه دادن احکام اعدام در افکار عمومی اتهام "قتل" یا اتهام‌های همدریف آن را به محکومان نسبت می‌دهند. بی‌تردید هر کس قتلی انجام داده باشد باید محاکمه و مجازات شود؛ اما محاکمه، آن هم هنگامی که به امر عمومی همچون اعتراض مردم مربوط است، باید علنی، مقابل چشم جامعه، و به معنای وسیع کلمه عادلانه انجام بگیرد. در غیر این صورت قابل پذیرش نیست. همچنین "اتهام قتل" حتی اگر در روند دادرسی کاملاً شفاف به تمامی ثابت شده باشد، به حکم اعدام مشروعیت و شرف نمی‌دهد به ویژه که در همین هفته‌های اخیر میلیون‌ها نفر با فریاد "اعدام نکنید" و "نه به اعدام" مخالفت خود را اعلام کرده‌اند و هنوز پژواک آن در فضای مجازی به گوش می‌رسد. مخالفت با حکم اعدام می‌رود که جزئی از فرهنگ عمومی شود و این نافی تلاش ۴۰ ساله‌ی حاکمان برای ساختن حربه‌ی هراس از حکم اعدام است. مخالفت با بازداشت معترضان، مخالفت با اعترافات اجباری و مخالفت با اعدام صورت‌های مختلف یک خواست است: خواست آزادی بیان

#### **\*بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون تشدید شرایط بحرانی جعفر عظیم زاده**

جعفر عظیم زاده رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از روز ۲۶ مرداد در پی انتقالش به زندان رجایی شهر دست به اعتصاب غذا زده است و امروز بیستمین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر می‌گذرانند.

طبق اخبار منتشر شده که از داخل زندان به بیرون درز کرده است جعفر عظیم زاده از هفته قبل از خوردن قند نیز خودداری نموده است و سه روز است که تنها آب می‌خورد اما معده‌اش آب را هم پس می‌زند.

در هفته‌ی اخیر نیز تلاش‌های همسر وی برای موافقت دادیار ناظر بر زندان‌ها برای ملاقات خانواده با جعفر و یا تماس تلفنی جعفر با خانواده بی نتیجه مانده است و مسئولین نه اجازه تلفن به جعفر می‌دهند و نه اجازه ملاقات خانواده با او.

جعفر عظیم زاده کماکان در سلول انفرادی محروم از تمام امکانات زندان (هواخوری، کتاب، روزنامه، تلویزیون، تماس تلفنی و ملاقات) محبوس است درحالی‌که بایست سریعاً آزاد گردد و برای درمان به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شود.

جعفر عظیم زاده بخاطر فعالیت‌های صنفی کارگری و سازماندهی اعتراض چهل هزار نفره کارگران برای افزایش دستمزدها توسط نهادهای امنیتی دستگیر و توسط قوه قضاییه به شش سال زندان محکوم گردید. با آغاز شیوع بیماری کرونا و بخشنامه آزادی زندانیان در تاریخ ۲۸ اسفند ۹۸ بایست آزاد می‌گردید اما حفاظت اطلاعات سپاه بخاطر اینکه مانع از آزادی وی گردد اقدام به پرونده سازی مجددی علیه او نمودند که در اردیبهشت ماه به ۱۳ ماه حبس مجدد محکوم شد و کماکان او را در



زندان نگه داشتند. به دنبال این اقدام برای اینکه صدای اعتراض این کارگر زندانی را خفه کنند و به قصد نابودی او، در اقدامی فریبکارانه و با اعلام انتقال او به بیمارستان، جعفر را به زندان رجایی شهر منتقل نموده و در سلول انفرادی محبوس کردند.

نهادهای امنیتی و مسئولین زندان حتی حاضر نیستند که جعفر را به بند عمومی منتقل کنند تا جامعه و خانواده را در بیخبری کامل از وضعیت این فعال کارگری نگه دارند. تمام این اقدامات ما را بیشتر بر این باور استوار میکند که نهادهای امنیتی درصدد کشتن جعفر عظیم زاده هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام نگرانی شدید از تشدید شرایط بحرانی جعفر عظیم زاده خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی و بستری او در بیمارستانی خارج از زندان برای مداوا است.

همچنین اعلام می‌کنیم چنانچه این روند ناحق در حق جعفر عظیم زاده ادامه یابد قطعاً ما به همراه دیگر کارگران و آزادیخواهان ساکت نخواهیم نشست و به هر طریقی که ممکن باشد چه در سطح جامعه و چه در سطح بین‌المللی دست به اقدامات اعتراضی خواهیم زد.

جان جعفر عظیم زاده در خطر است

جعفر عظیم زاده آزاد باید گردد

آزادش کنید

اتحادیه آزاد کارگران ایران - چهاردهم شهریور نود و نه

**\*جان باختن یک کارگر در پیشوا بر اثر برق گرفتگی\***

ظهر روز جمعه 14 شهریور، یک کارگر 30 ساله حین کار جابجایی میلگرد در ساختمانی واقع در شهرک 15 خرداد شهرستان پیشوا در استان تهران بدلیل برخورد میلگرد با کابل فشار قوی در دم جانش را از دست داد.

**\*مرگ و مصدومیت 3 کارگر ساختمانی حین کار در سندانج\***

3 کارگر ساختمانی حین کار در ساختمانی واقع در محله عباس‌آباد سندانج بر اثر ریزش سقف زیر آوار گرفتار شدند و بکنفرشان در دم جان باخت و 2 کارگر دیگر جهت مداوا به بیمارستان منتقل شدند.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)